

جایگاه اهل البیت علیهم السلام در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل

جمال فرزند وحی^۱ - مینا یعقوبی^۲ - فرشته دارابی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۳

چکیده

شیعه برای تفسیر اهل بیت علیهم السلام اهمیت فراوانی قائل است و سخن آنان در تبیین قرآن را، هم پایه سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند؛ اما رویکرد اهل سنت نسبت به تفسیر آنان چگونه است؟ به بیانی دیگر، اهل بیت علیهم السلام چه تأثیری بر تفسیر اهل سنت گذاشته‌اند؟ از آنجا که میزان اقبال و تأثیرپذیری اهل سنت از اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر روایی آشکار است؛ ما نیز به بررسی تفسیر روایی شواهد التنزیل لقواعد التفضیل پرداختیم. زیرا یک تفسیر موضوعی درباره اهل بیت علیهم السلام است و از این منظر، شاخص و ممتاز می‌باشد. در همین راستا علاوه بر بیان ویژگیهای مهم تفسیر شواهد التنزیل، به بررسی تعداد روایاتی که قول و فعل ائمه علیهم السلام است نیز پرداخته شده است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که میزان روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در تفسیر شواهد، بسیار بیشتر از میزان آن در مجموع صحاح شش‌گانه می‌باشد. همچنین مؤلف این کتاب به عنوان یک مفسر اهل سنت، اهمیت و اعتبار فراوانی برای تفسیر اهل بیت علیهم السلام قائل است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت، تفسیر روایی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل.

۱. استادیار دانشگاه رازی، Farzandwahy @ Yahoo. Com.

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، Fgholami. Ir @ gmail.com.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، fereshtth_darabi81 @ yahoo.com.

تفسیر روایی **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل** تألیف ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسان قرشی عامری، معروف به ابن حذاء یا ابن حسان یا حاکم حسانی (م ۴۷۰ یا ۴۹۰ ق) است.

حاکم حسانی اهل نیشابور، حدیث شناس، رجالی توانمند و حنفی مذهب بود.^۱ ذهبی در جای دیگر از کتابش می گوید: «القاضی المحدث النیسابوری... الحاکم... [الحافظ] شیخ متقن ذوعنایة تامة بعلم الحدیث».^۲

سیوطی نیز وی را در زمره حفاظ حدیث آورده، می نویسد: «شیخ متقن ذوعنایة تامة بعلم الحدیث. عمّروعلّا اسناده و صنّف فی الابواب و جمع»؛^۳ شیخ متقن و دارای عنایت تمام به علم حدیث است. عمر طولانی نمود و اسناد او عالی است. در باب های مختلف تألیف نمود و حدیث جمع کرد.

به این ترتیب این محدّث و مفسر ارزشمند در کتب اهل سنت بارها مورد تکریم و تعظیم قرار گرفته است.^۴

در صحت انتساب کتاب **شواهد التنزیل** به وی شکی نیست؛ زیرا دو عالم شیعی و هم عصر با وی؛ یعنی شیخ طبرسی و شاگردش شیخ ابن شهر آشوب، تصنیف این کتاب را به حاکم حسانی نسبت داده اند. در اهمیت و اعتبار کتاب نیز همین بس که با فاصله کمی از مرگ مؤلف منتشر شده و برخی معاصران وی از آن حدیث نقل کرده اند.

۱. ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، ج ۱۸، ص ۲۶۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۵۸.

۳. سیوطی، جلال الدین، الذرّ المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۹۰.

۴. برای مطالعه بیشتر به این کتب مراجعه شود: فارسی، المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور، ص ۵۱۸، ۳۲۴، ۲۸۱، ۸۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ همو، تاریخ الإسلام، ج ۳۲، ص ۳۰۶؛ همو، تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۲۰۰؛ همو، المعین فی طبقات المحدثین، ص ۳۹؛ الصفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، ص ۲۵۴؛ ابن أبی الوفا، الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه، ج ۱، ص ۳۳۸؛ ابن قطلوبغا، تاج التراجم فی طبقات الحنفیه، ص ۴۰؛ السیوطی، طبقات الحفاظ، ص ۴۴۳؛ تقی الدین الغزالی، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیه، ص ۱۳۷؛ السمعانی، التخبیر فی المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۷۲؛ الصالحی الشامی، سبل الهدی والرشاد، ج ۹، ص ۴۳۷؛ عمر کحاله، معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۲۴۰.

وی علاوه بر شواهد التنزیل، آثار دیگری را با موضوع اهل بیت علیهم السلام تألیف کرده است که طبق بیان خود او در شواهد التنزیل از این قرارند:

- طیب الفطرة فی حب العترة، دعاة الهداة إلى اداء حق الموالاة و الارشاد إلى اثبات نسب الاحفاد.

حسکانی در نقل احادیث به مذهب و گروه خاصی اکتفا نکرده و از منابع معتبر و راویان صحیح استفاده کرده است. از جمله منابعی که در تفسیر شواهد التنزیل به آنها تصریح کرده است، می توان این کتاب ها را نام برد:

تفسیر عیاشی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر طبری، تفسیر حبری، کتاب نزول القرآن فی شأن امیر المؤمنین از ابوبکر مؤمن مفسر شیرازی، کتاب ما نزل من القرآن از ابونعیم حافظ اصفهانی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر ابورجاء محمد بن حمدویه سنجی، تفسیر ابی بکر محمد بن حسین صالح سبعی، تفسیر ابی القاسم عبدالله بن حشاذ بن اسحاق، تفسیر عتیق. در کتاب شواهد بیش از ۱۲۰۰ روایت، ذیل ۲۱۰ آیه قرآن که به ترتیب ذکر شده اند، آمده است.^۱

۱- انگیزه تألیف کتاب

مؤلف در مقدمه کتاب خود می نویسد:

«برخی از دانشمندان که بر مردم ریاست می کنند و از بزرگان و پیروان مذهب کرامیه هستند، در روزگار ما، حلقه درس و بحث تشکیل داده اند و گروه زیادی از دانشجویان علوم دینی به گرد آنان حلقه زده اند.

متأسفانه این شخص به ظاهر دانشمند (ابویعقوب اسحاق بن محمشاذ زاهد کرامی - م ۳۸۳)، عوام فریبانه به ساحت مقدس علوی خدشه وارد ساخته و یاوه گویی را به اعلا درجه رسانده و می گوید: هیچ مفسری متذکر نشده که سوره هَلْ أتی در شأن امام علی علیه السلام و خاندان وی نازل شده است. وی پا را از این سخن فراتر نهاده و ادعا کرده که هیچ آیه ای در قرآن در شأن اهل بیت فرو نیامده است. بنده با شنیدن این سخن بسیار

۱. جعفری، یعقوب، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن، ص ۸.

تعجب کردم و از جسارت و جرئت وی حیرت کردم و سخن وی را بهتان بزرگ و دروغ سترگ قلمداد نمودم ... آن چنان که در پایان آن مجلس مصلحت دیدم که باید به این سخنان ناصواب و شبهه خطرناک جوابی نیکو بگویم تا اذهان مسلمانان و اصحاب قرآن نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام مشوش نگردد؛ لذا در این راستا، به جمع‌آوری آیات قرآنی و روایات نبوی که در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام بیان شده بود، مبادرت کردم، تا شخصیت علمی و مجاهدت‌های فرهنگی و فضیلت‌های بی‌شمار آن حضرت مورد شك و تردید نسل‌های آینده قرار نگیرد.

بر همین اساس هر آیه‌ای که قطعاً یا احتمالاً در شأن علی علیه السلام نازل شده بود، استقصاء (شمارش) کردم و روایات مستند را با ذکر سند آن در ذیل آیات بیان نمودم. ۲۰۹ آیه و ۱۱۶۳ روایت را در دو جلد کتاب به نام *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل* تدوین کردم تا شاید گوشه‌ای از عظمت و فضیلت بی‌کران علی بن ابی طالب علیه السلام را شناسانده باشم.^۱

دفاع از شأن و منزلت اهل بیت از طریق روایات تفسیری، برگرفته و انعکاسی است از حقیقت و حقانیت این معصومین بزرگوار که در تمام تاریخ حیات پربرکت خویش، به گونه‌های مختلف و در همه ابعاد، مورد اجحاف و بی‌مهری حاکمان ظالم و عالمان دنیا طلب قرار گرفته‌اند.

حاکم حسکانی جزء آن دسته از عالمانی است که با اذعان به جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام، اقدام به گردآوری و تألیف یک تفسیر موضوعی درباره این بزرگواران نموده است.

۲- روش مؤلف در نگارش کتاب

وی در آغاز کتاب، خطبه‌ای به عنوان مقدمه مطرح نموده که در آن به نامگذاری کتاب و انگیزه تألیف اشاره نموده است. پس از آن شش فصل ترتیب داده که عناوین هر یک از آنها بدین قرار است:

۱. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ج ۱، ص ۱۹.

در فصل نخستین، اقوال و سخنان دانشمندان پیشین را پیرامون خصائص و فضائل امام علی علیه السلام مطرح می‌سازد؛ که برخی از آنان عبارت‌اند از: عبدالله بن عباس، احمد بن حنبل، عبدالله بن عمر و عایشه.

در دومین فصل، به سابقه علمی امام علی علیه السلام در دو حوزه تلاوت و حفظ قرآن می‌پردازد و روایات بسیاری را بیان می‌نماید.

در سومین فصل، داستان گرد آوری قرآن را برای نخستین بار توسط امام علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و در اوائل خلافت ابوبکر مطرح می‌نماید.

در چهارمین فصل، از شناخت امام علی علیه السلام نسبت به معانی و حقائق قرآن و تخصص منحصر به فرد حضرت در علم به نزول قرآن در همه زمین‌های گوناگون آن سخن به میان می‌آورد.

در پنجمین فصل، اشاره‌ای گذرا به فراوانی اسباب نزول مربوط به فضائل امام علی علیه السلام و عترت او می‌نماید که تفصیل آن را به اصل کتاب ارجاع می‌دهد.

و در آخرین فصل به بیان این حدیث معروف «ما انزل الله آیه فیها ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۱ الا و علی رأسها و امیرها» می‌پردازد که مصداق بارز ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۲ که در نود آیه تکرار شده، علی علیه السلام است. این حدیث را از طرق گوناگون نقل می‌نماید. سپس به ترتیب قرآن از سوره فاتحه تا سوره ناس، هر آیه‌ای را که دارای شأن نزول ویژه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، مطرح می‌سازد. پس از آن به نقل اسباب نزول و روایات آن از طریق عامه و خاصه می‌پردازد.

وی در نقل احادیث هیچ تعصبی به خرج نمی‌دهد و روایات را از طریق عامه و خاصه نقل می‌نماید و تا جایی که مقدور باشد، به همه منابع و مآخذ مراجعه می‌نماید.

البته بیان این نکته ضروری است که چون مؤلف از محدثان اهل سنت بوده و در حوزه‌های علمی عامه فعالیت علمی می‌نموده و مذهب عامه در محل زندگی وی رواج داشته است، از جوامع روایی اهل سنت و جماعت بیشترین بهره را برده است.

۳- تأثیر پذیری دیگر مفسران از کتاب شواهد التنزیل

کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل به سبب احادیث معتبر و مسند آن، برای

علمای اسلام به ویژه شیعه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ حتی برخی از مفسران بزرگ شیعه، مانند مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان، آن را یکی از مهم ترین منابع خود قرار داده است.^۱

درست است که مرحوم طبرسی در کتاب تفسیر مجمع البیان از منابع متعدد و حتی از اسرائیلیات استفاده می کند، ولی ایشان زمانی که یک منبع صحیح باشد، به صحیح بودنش اعتراف می کند؛ به عنوان مثال در تفسیر این آیه شریفه:

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ﴾ (ملک/ ۲۷)؛
و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کافر شده اند، در هم رود. و گفته شود: این است همان چیزی که آن را فرا می خواندید؟

ایشان می نویسد: حسکانی با سند صحیح از شریک از اعمش نقل کرده است: زمانی که دیدند آنچه برای حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است از مقامات در نزد خدا، سیاه شود چهره کسانی که کافر شدند به ولایت آن حضرت.^۲

از دیگر مفسران شیعی که در ضمن تفسیر آیات قرآن کریم از این اثر بهره گرفته اند، عروسی حویزی در کتاب نور الثقلین و ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب می باشند که بارها از ایشان نقل روایت می کنند.

همچنین به عنوان منبع مسند و معتبری برای مفسران بعدی اهل سنت قرار گرفته است. حسکانی در تفسیر بسیاری از آیات به روایت ها استناد می کند و سندهای آنها، بیشتر از عامه است. و این آیات را در شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام تفسیر می کند.

زمانی که دیگر منابع تفسیری اهل سنت را مشاهده می کنیم، متوجه می شویم، دیگر مفسران نیز از این روایات و نظریات بی تأثیر نبوده اند؛ تاجایی که نمی توانند این حقایق را انکار نمایند و راه گریزی جز بیان این حقایق آشکار و واضح ندارند؛ به عنوان مثال ذیل آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده/ ۶۷)؛ ای پیامبر، آنچه از

۱. تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۱۹، ص ۲۵۰.

۲. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۱۹۶.

جانب پروردگارت به سوی تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

سیوطی در کتاب الدر المنثور در تفسیر این آیه می‌آورد:

ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید الخدری نقل کرده‌اند که این آیه شریفه در روز غدیر خم و در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل گشت. همین روایت در کتاب شواهد التنزیل نیز ذیل این آیه شریفه بیان شده است.^۱

۴- مقایسه میزان اقوال اهل بیت علیهم السلام در تفسیر شواهد التنزیل و صحاح شش گانه

حسکانی از مصادر متعددی نقل روایت کرده است؛ مانند: پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام تا حضرت کاظم علیه السلام، عبدالله بن عباس، مجاهد، عبدالله بن مسعود، سلمان فارسی و جابر بن عبدالله انصاری.

در اینجا به بررسی و گردآوری آن دسته از روایاتی می‌پردازیم که قول و فعل هر یک از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا در این گونه روایات، میزان اهتمام و توجه اهل سنت به اقوال و افعال معصومین علیهم السلام نمایان می‌شود.

متأسفانه در منابع روایی اهل سنت میزان روایت ائمه از پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به دیگر صحابه و تابعین بسیار اندک است.^۲ چه رسد به روایاتی که اقوال و افعال خود آنان باشد و به طور طبیعی در این میان، دایره روایات تفسیری صادره از ایشان نیز محدودتر خواهد شد.

در ادامه مقایسه‌ای خواهیم داشت میان روایات اهل بیت در صحاح شش گانه بر اساس تحقیق آقای نوروز امینی^۳ و روایات آنان در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل.

میزان روایات اهل بیت علیهم السلام به ترتیب، از این قرار است:

۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ حسکانی، عبیدالله بن عبدالله،

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. امینی، نوروز، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، علوم حدیث، ش ۱، ص ۱۶۰.

۳. همان، سال سیزدهم، ش ۱، ص ۱۵.

امام علی علیه السلام: در کتب شش گانه اهل سنت؛ یعنی صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ابی داود، سنن ترمذی و سنن نسائی، در مجموع ۹۲۷ روایت و با حذف مکررات، ۵۲۷ روایت از امام علی علیه السلام نقل شده است که ۲۱ روایت آن تفسیری و تنها هشت روایت آن اقوال و افعال امام علی علیه السلام می باشد. در حالی که در تفسیر شواهد التنزیل به تنهایی ۱۰۷ روایت از اقوال و افعال امام علی علیه السلام آمده است که با حذف مکررات، هشتاد روایت می شود و از این میزان ۶۶ روایت آن نیز تفسیری است.

حضرت فاطمه علیها السلام: در تمام کتب شش گانه مذکور جمعاً ۲۶ روایت به واسطه ایشان نقل شده است که با حذف مکررات، ۲۴ روایت می شود و اقوال و افعال ایشان تنها در هفت روایت آمده که هیچ يك از آنها نیز تفسیری نیست؛ اما در کتاب شواهد دو روایت از اقوال حضرت فاطمه علیها السلام آمده و هر دو تفسیری می باشد^۱.

امام حسن علیه السلام: در صحاح شش گانه ۱۷ روایت از امام حسن علیه السلام آمده است که با حذف مکررات، دوازده روایت می شود. از این تعداد هیچ روایتی از اقوال و افعال و تفسیر دیده نمی شود. در کتاب شواهد سه روایت غیر تکراری از ایشان آمده است که هر سه مورد آن تفسیری است.

امام حسین علیه السلام: در کتب مذکور با حذف مکررات، دوازده روایت از طریق امام حسین روایت شده که در روایت آن تفسیری است، اما از اقوال و افعال ایشان چیزی نیامده است. در کتاب شواهد نیز چهار روایت از امام حسین علیه السلام آمده است که همه آنها تفسیری هستند.

امام سجاد علیه السلام: از امام سجاد علیه السلام در منابع فوق با حذف مکررات، ۲۳ روایت آمده است که از این تعداد سه روایت تفسیری و تنها يك روایت آن از اقوال و افعال است؛ اما در شواهد جمعاً نه روایت و با حذف مکررات، هفت روایت از اقوال و افعال ایشان آمده است که همگی آنها نیز تفسیری می باشند.

امام باقر علیه السلام: در مجموع ۱۲۸ روایت و با حذف مکررات، ۹۹ روایت از امام باقر علیه السلام در صحاح شش گانه نقل شده است که از این تعداد تنها پنج روایت از اقوال و افعال ایشان

۱. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۸۱ و ج ۲، ص ۸۴.

توسط نسایی بیان شده و سه روایت آن تفسیری است که دو روایت تفسیری را ابن ماجه و یک روایت را ابی داود آورده است، در حالی که در تفسیر شواهد جمعاً ۷۸ روایت از افعال و اقوال امام علیه السلام آمده است که با حذف مکررات، ۷۱ روایت می شود و از این میان هفتاد روایت تفسیری است؛ که این آمار در مقایسه با صحاح شش گانه بسیار بالاتر است.

امام صادق علیه السلام: روایات وارده از امام صادق علیه السلام در صحاح شش گانه جمعاً ۹۹ روایت و با حذف مکررات، ۷۱ روایت است که از این میان فقط یک روایت آن از اقوال و افعال ایشان بوده و دو روایت نیز تفسیری می باشد.

اما در تفسیر شواهد جمعاً ۳۷ روایت از اقوال و افعال امام صادق علیه السلام و با حذف مکررات، ۳۴ روایت از ایشان نقل شده که همه آنها تفسیری هستند.

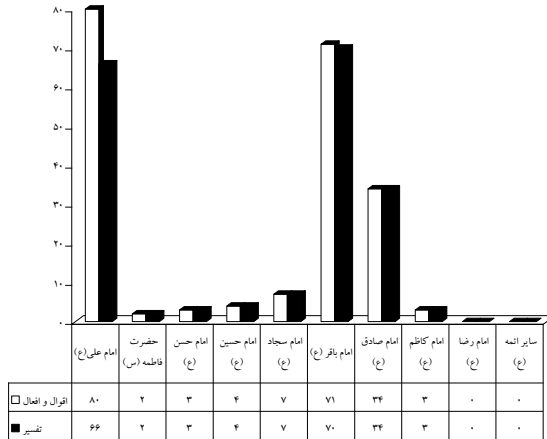
امام کاظم علیه السلام: از امام کاظم علیه السلام در همه صحاح شش گانه تنها ترمذی و ابن ماجه دو روایت را ذکر کرده اند؛ که هیچ یک نه اقوال و افعال ایشان است و نه روایت تفسیری! در تفسیر شواهد چهار روایت و با حذف مکررات، سه روایت از امام کاظم آمده است که همه آنها تفسیری هستند.

امام رضا علیه السلام: فقط ابن ماجه است که از میان مؤلفان صحاح، یک روایت از امام رضا علیه السلام ذکر کرده است که نه تفسیری است و نه اقوال و افعال امام رضا علیه السلام است. در تفسیر شواهد نیز روایتی که از اقوال و افعال خود امام علیه السلام باشد وجود ندارد؛ اما ایشان از طریق پدران خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و جابر بن عبدالله روایت کرده اند که تعداد آنها به نُه روایت می رسد و همگی تفسیری می باشند.

دیگر ائمه علیهم السلام: در صحاح شش گانه و همینطور تفسیر شواهد، هیچ حدیثی از این معصومین علیهم السلام نقل نشده است.

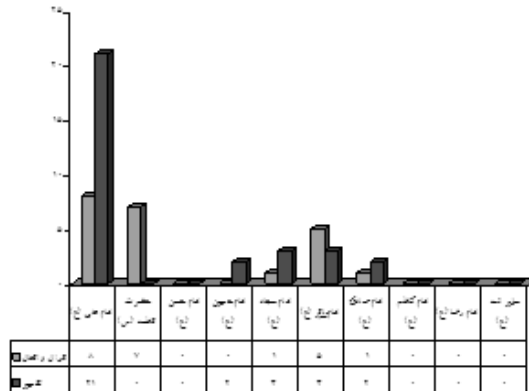
۴-۱. فراوانی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل

با مراجعه به کتاب شواهد التنزیل میزان روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است، به شرح ذیل می باشد:



۴-۲. تعداد روایات ائمه اطهار علیهم السلام در صحاح شش گانه

با مراجعه به صحاح شش گانه و بررسی احادیث این کتب، میزان روایات نقل شده از اهل بیت علیهم السلام بدین شرح می باشد:



بنابراین با توجه به این نمودارها به خوبی روشن می شود که تعداد روایات تفسیری ائمه علیهم السلام در معروف ترین و معتبرترین منابع اهل سنت (صحاح شش گانه) تا چه اندازه اندک است و در مقابل، مؤلف شواهد که خود نیز از اهل سنت می باشد، با دیدی علمی و پرهیز از تعصب و یک جانبه گری و استفاده از منابع شیعه و سنی که در دسترس داشته است، گنجینه گران بهایی از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام را در کنار دیگر روایات در یک تفسیر

روایی گردآوری نموده است.

شایان ذکر است که در آمار مربوط به روایات تفسیری ائمه علیهم السلام در صحاح شش گانه، روایات تفسیری که قول خود معصوم باشد، از غیر آن تفکیک نشده است و اگر چنین کاری صورت گیرد، قطعاً آمار روایات تفسیری معصومین در صحاح مزبور بسیار پایین تر از این میزان خواهد بود.

۵- ارزش نهادن به دیدگاه‌های تفسیری اهل بیت علیهم السلام در شواهد التنزیل

حاکم حسکانی در فصل چهارم کتاب خود، با عنوان «فی توخده بمعرفة القرآن ومعانیه و تفرده بالعلم بنزوله و ما فيه» بر ارزشمندی و اهمیت سخن امام علی علیه السلام در تفسیر قرآن تأکید می‌کند و ایشان را عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین به تنزیل معرفی می‌نماید و در همین رابطه احادیثی را بیان می‌دارد؛ از جمله از عایشه نقل می‌کند که می‌گوید: «علی اعلم اصحاب محمد بما أنزل علی محمد صلی الله علیه و آله»؛^۱ علی داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله است نسبت به آنچه بر محمد نازل شده است.

این حدیث بیانگر فضیلت و برتری امام علی و اهل بیت علیهم السلام بر دیگر مردم در تفسیر قرآن است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ما نزلت علی رسول الله صلی الله علیه و آله آیه من القرآن إلا أقرأنيها أو أملاها عليّ. فأكتبها بخطي و علمني تأويلها و تفسيرها و ناسخها و منسوخها و محكمها و متشابهها و دعا الله إلي أن يعلمني فهمها و حفظها. فلم أنس منه حرفاً واحداً»؛^۲ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه‌ای از قرآن نازل نشد مگر اینکه مرا به خواندن آن و داشت یا آن را املاء نمود و من با خط خود آن را نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من یاد دهد و من يك حرف از آن را فراموش نکردم.

این حدیث از امام علی علیه السلام نیز به علم فراگیر و زوال ناپذیر ایشان در زمینه تفسیر

۱. همان، ج ۱، ص ۴۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸.

اشاره دارد؛ علمی که آن را تحت تعلیم و نظارت مستقیم رسول اکرم ﷺ و با عنایت خاص خداوند فراگرفته است. این علم آن قدر گسترده است که از شبرمه روایت شده است:

«ما كان احد يقوم على المنبر فيقول سلوني عما بين اللوحين الا على بن ابي طالب»؛^۱ احدی بر منبر ننشست و نگفت: از هر چه می خواهید، پرسید، مخصوصاً از قرآن تا جواب بگویم؛ مگر علی بن ابي طالب عليه السلام.

و در جای دیگر پیامبر ﷺ فرمود:

«علي يعلم الناس بعدى تأويل القرآن وما لا يعلمون»؛^۲ علی پس از من به مردم، تأویل قرآن و آنچه را که نمی دانند؛ یاد می دهد.

این حدیث می تواند بیانگر دو نکته باشد: اول اینکه ائمه عليهم السلام نه تنها مفسران قرآن، بلکه معلمان آن به مردم نیز هستند. دوم نشان دهنده نوع تفسیر ویژه ائمه عليهم السلام از آیات قرآن؛ یعنی تأویل و بیان باطن آیات است که آن را تنها باید در نزد آنان جست و جو کرد. اما، چرا مضمون این احادیث را به دیگر اهل بیت عليهم السلام نیز تعمیم دادیم؟ در حالی که ممکن است گفته شود؛ احادیث مذکور تنها ناظر به علم فراوان علی عليه السلام و اهمیت تفسیر ایشان است؛ زیرا یکی از بزرگان صحابه و قرین همیشگی رسول خدا ﷺ و شاهد نزول آیات قرآن بوده اند؟

دلیل ما برای این تعمیم، انتقال سینه به سینه مفاهیم و معانی قرآن از امامی به امام دیگر است و شاهد بر آن، نوع روایت اهل بیت عليهم السلام است که در بسیاری از موارد از پدران بزرگوار خود به ترتیب مطلبی را نقل می کنند. بنابراین علم رسول خدا به امام علی عليه السلام و از ایشان به فرزندان شان منتقل گشته است و تفسیر ایشان نیز هم ردیف تفسیر رسول خدا و علی عليه السلام است؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ الله جعل علياً وزوجته و ابناء [ه] حجج الله على خلقه وهم أبواب العلم فى

۱. همان، ج ۱، ص ۵۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۹.

أُمَّتِي. مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛^۱ همانا علی علیه السلام و همسرش علیها السلام و فرزندان علیهم السلام حجت‌های خدا بر مردم و درهای علم در امت من هستند. هر کس به آنها هدایت جوید، به صراط مستقیم هدایت یافته است.

بخشی از این علم همان توانایی فهم معانی و تبیین آیات قرآن است که به واسطه آن اهل بیت علیهم السلام مردم را هدایت و حجت را بر آنان تمام می‌کنند.

۶- شواهدی بر فضیلت و کرامت اهل بیت علیهم السلام در شواهد التنزیل

حسکانی در کتاب شواهد التنزیل بارها در ضمن آیات قرآن کریم و روایات، به شرح و تأکید نصوصی می‌پردازد که به فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند:

۱- ۶. شواهد روایی

خصلت‌های پسندیده و فضایل ارزنده امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به قدری فراوان است که دانشمندان شیعه و سنی از متقدمین و متأخرین، در کتاب‌های خویش آنها را نقل کرده‌اند. مؤلف شواهد التنزیل به برخی از این احادیث اشاره می‌کند:

روایتی از حکیم بن جبیر از مجاهد نقل شده که ابن عباس، شاگرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در بیان عظمت استادش گفت:

«لقد كان لعليّ بن ابي طالب علیه السلام ثمانية عشر منقبة لولم يكن له الا واحدة لنجا بها. و لقد كانت له ثلاثة عشر منقبة لم تكن لأحد من هذه الأمة»؛^۲ برای علی بن ابی طالب علیه السلام هیجده منقبت وجود دارد که حتی اگر یکی از این هیجده منقبت را می‌داشت، اهل نجات بود. همچنین سیزده منقبت از این هیجده کرامت، مختص آن سید و سرور است و کسی را در آن نصیبی نیست.

محمد بن منصور از احمد بن حنبل نیز چنین نقل کرده است:

«ما جاء لأحد من اصحاب النبي من الفضائل اكثر مما جاء لعليّ بن

۱. همان، ج ۱، ص ۷۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳.

ابی طالب علیه السلام؛^۱ برای کسی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اندازه علی بن ابی طالب فضایل و مناقب وارد نشده است.

در روایت دیگری از خلف بن خلیفه بیان شده است:

از ابا هارون عبدی شنیدم که گفت: با عبدالله بن عمرنشسته بودم. نافع بن ازرق به جمع ما پیوست. او با بی حیایی و گستاخی گفت: به خدا سوگند که من دشمن علی علیه السلام هستم و کینه او را در دل دارم.

ابن عمر گفت: «أَبْغَضَكَ اللَّهُ تَبْغِضُ رَجُلًا سَابِقَةً مِنْ سَوَابِقِهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»؛^۲ ای نافع! خداوند دشمن تو باشد. با مردی دشمنی می کنی که یک سابقه از سوابق درخشان او از دنیا و آنچه در آن است، بالاتر و برتر است.

عکرمه درباره امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِنِّي لِأَعْلَمُ أَنَّ لِعَلِيِّ مَنَقِبَةً لَوْ حَدَّثْتُ بِهَا لَتَفِدَّتْ أَقْطَارُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَوْ قَالَ: الْأَرْضُ»؛^۳ در مناقب و فضایل علی علیه السلام چیزهایی می دانم که اقطار زمین و آسمان تاب و تحمل شنیدن آنها را ندارند.

با توجه به روایاتی که ذکر کردیم، به خوبی می توان دریافت که فضایل و مناقب امام علی علیه السلام و به تبع آن فرزندان ایشان، به قدری وسیع و فراوان هستند که نمی توان آنها را شمارش و بیان نمود.

۲-۶. شواهد قرآنی

قرآن نهایت ظرافت را در مورد معرفی و شناسایی ویژگی منحصر به فرد اهل بیت علیهم السلام به کار برده و در ضمن آیات به جایگاه حقیقی آنان می پردازد. حسکانی نیز از این نکته غافل نشده و شواهدی دال بر اینکه برخی از آیات قرآن در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده اند؛ بیان می کند:

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰.

۳. همان.

۱-۲-۶. ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد / ۶)؛ (خدایا) ما را به راه راست راهبر باش. حاکم پدر ابو محمد عبدالله بن احمد از ابی بریده در تفسیر آیه شریفه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ نقل می‌کند که صراط مستقیم؛ یعنی صراط مصطفی ﷺ و صراط اهل بیت مصطفی ﷺ.^۱

عبدالله بن عباس شاگرد علی عَلِيٌّ در تفسیر آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ گفته است: ای بندگان خدا بگوئید: اهدنا به حبّ نبی ﷺ و اهل بیت گرامی اش.^۲

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل نمود که رسول الله ﷺ فرمود: «ای علی! تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سرکرده مؤمنان هستی.»^۳

۲-۲-۶. ﴿إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب / ۳۳)؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

حسکانی ذیل این آیه شریفه که به آیه تطهیر مشهور است، ۱۳۰ حدیث نقل می‌کند، که درباره علی، فاطمه و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نازل شده است.^۴

۳-۲-۶. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره / ۸۲)؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند؛ آنان اهل بهشت‌اند. و در آن جاودان خواهند ماند.

حسکانی ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: از جمله آیاتی که در شأن رسول خدا ﷺ، علی و اهل بیت آن حضرت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نازل شد، همین آیه شریفه در سوره بقره است. سپس به روایتی از ابن عباس در شأن نزول این آیه استناد می‌کند که می‌گوید: این آیه فقط برای علی عَلِيٌّ نازل شده است؛ چون او نخستین مؤمن به رسول خدا ﷺ و اولین نمازگزار همراه

۱. همان، ج ۱، ص ۷۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۸-۱۴۰.

پیامبر ﷺ بوده است.^۱

بنابراین، آیات فروانی از قرآن کریم در شأن اهل بیت علیهم السلام وارد شده‌اند که همگی بر مقام والای ایشان دلالت دارند. و حسکانی نیز بارها به این موضوع اشاره نموده است.

نتیجه‌گیری

کتاب **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل** اثر عبیدالله بن عبدالله حسکانی از جمله تفاسیر روایی اهل سنت می‌باشد. انگیزه تألیف این کتاب به اذعان خود مؤلف، دفاع از امام علی علیه السلام و اهل بیت ایشان و نشان دادن جایگاه والای آنان از منظر آیات قرآن کریم و روایات است. مؤلف در نگارش این کتاب از منابع معتبر اهل سنت همچون صحیح مسلم، صحیح بخاری، سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل نقل می‌کند. و از منابع اهل تشیع همچون تفسیر عیاشی، تفسیر فرات کوفی و... استفاده می‌کند. از طرف دیگر این تفسیر ارزشمند مورد استفاده مفسران شیعی و سنی همچون طبرسی، عروسی حویزی و سیوطی بوده است؛ که این کتاب را ستوده و روایات این کتاب را ذیل تفسیر آیات قرآن کریم مورد استناد قرار داده‌اند.

شواهد التنزیل به نسبت دیگر کتب اهل سنت به خصوص صحاح شش‌گانه از نظر تعداد روایات نقل شده از اهل بیت علیهم السلام سرآمد است. حسکانی در کتابش اهل بیت علیهم السلام را نسبت به تفسیر قرآن کریم چنین وصف می‌کند که آنان آگاه به ظاهر و باطن قرآن کریم هستند و شواهد روایی و قرآنی دال بر فضیلت و کرامت اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌کند.

منابع

۱. ابن ابی الوفاء، **الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه**، انتشارات عبدالفتاح محمد حلو، ریاض، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن قطلوبغا، **تاج التراجم فی طبقات الحنفیه**، چاپ ابراهیم صالح، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. امینی، نوروز، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، مجله علوم حدیث، شماره اول.
۴. تمیمی الداری، تقی الدین عبدالقادر، الطبقات السنیه فی تراجم الحنفیه، تهران، ۱۹۷۰م.
۵. جعفری، یعقوب، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ش.
۶. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ق.
۷. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارناؤوط، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۸. _____، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، بیروت، چاپ دوم: ۱۴۱۵ق.
۹. _____، تذکره الحفاظ، تحقیق زکریا عمیرات، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.
۱۰. سمعانی، عبد الکریم بن محمد، التحبیر فی المعجم الکبیر، رئاسة دیوان الأوقاف، بغداد، ۱۹۷۵م.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. _____، المعین فی طبقات المحدثین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۳. صالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد، دارالوفاء، بیروت، بی تا.
۱۴. صفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک، الوافی بالوفیات، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهیدی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۱۶. فارسی، ابوالحسن، المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴ش..
۱۷. کحاله، عمرضا، معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.